

روزنه آبی

نقد «هفت جان سگ» کار مهدی کوشکی با یک ماشین کروکی مقابل



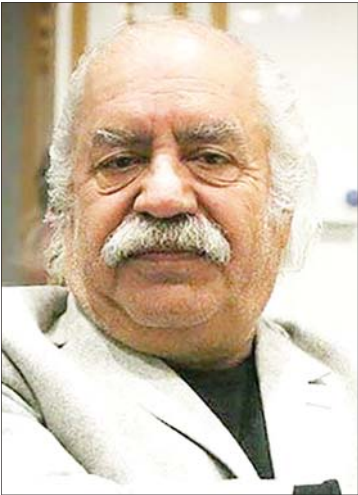
محمدحسین خدایی

● مهدی کوشکی بار دیگر به خشونت می‌پردازد؛ بار دیگر حاشیه‌های شهر و مکانی که به عوض آشناشدن، هر دم بر غریبگی و هولناکی آن افزوده می‌شود. شب است و یک جاده خارج از شهر و یک ماشین کروکی قرمز رنگ که به سوی ویلایی ناآشنا در حرکت است. جاده از نمی‌بینیم اما به میانجی آن تصاویر گرافیکی که در بالای صحنه به نمایش گذاشته می‌شود، می‌توان حرکت در یک مسیر جاده‌ای را تجسم کرد. تصاویر گرافیکی، ترجمانی است از مناسبات شخصیت‌ها و دیالوگ‌هایی که لامحاله به سمت یکدیگر پرتاب می‌کنند. لحن طازانه اجرا به تصاویر گرافیکی هم منتقل شده و فضایی آیرونیک و البته مالنخولیایی می‌سازد. مهدی کوشکی که خشونت به مثابه امکان اتصال به وضعیت مردمانی می‌پردازد که دیرزمانی است محذوف و مطرود شده‌اند. مردمانی که در غیاب نهادهای رسمی، به «اخلاق فردی» یا حتی می‌شود گفت نوعی «ضداخلاق» بیار دارند و در مواجهه با جهان، آن را به‌کار گرفته و گاه مستوجب پدیداری «شر» می‌شوند. بی‌جهت نیست که در انتهای نمایش‌های کوشکی، انبوه‌جازه‌های مملو از خون بر زمین پراکنده شده و تماشاگران تکلیفشان با اجرا اغلب مبهم و ناروشن باقی می‌ماند. گویا واقعیت مردمان حاشیه‌ها، با فرمی از خشونت و در غیاب دولت است که متعین می‌شود. نمایش «هفت جان سگ» را می‌توان در ادامه

فضاسازی و روایتگرهای اجرایی «سینوپی» و «تئاتر بد» دانست. همان فاصله‌گذاری‌ها و تنش مردم‌فزاینده در یک مکان خالی از دکور، برای دوری از تکرار تجربیات گذشته، فاصله‌گذاری بیشتری استفاده می‌شود و کارگردان با لحنی مستایل بر جایگاه خود به عنوان کارگردان تأکید کرده و مدام بر بی‌نظمی عوامل اجرایی و اتاق فرمان، اشاره می‌کند. مهدی کوشکی اغلب میان بازیگر و کارگردان بودن در نوسان است. بنابراین با اجرایی روبه‌رو هستیم که کارگردان، به تلاوب خود را از جدیت و رسمیت می‌اندازد. برعکس دو اجرای قبلی که شاهد اقتدار مهدی کوشکی بودیم، این‌بار بهنام شرفی است که فرمان می‌راند و نهیب می‌زند. فی‌الواقع با یک بهنام شرفی کاملاً متفاوت روبه‌رو هستیم که نشانی از مهربانی و مبادی‌آداب‌بودن همیشگی ندارد و با کله‌ای تراشیده و لباسی چرمی، در پی اجرای عدالت و مداوای سگ‌های مجروح است. در انتها گویا خویش‌نژادری کوشکی به پایان می‌رسد و بار دیگر به شخصیت مقتدر که فرمان می‌راند، تبدیل می‌شود. به‌طور اخص این نکته را آنجا مشاهده می‌کنیم که ناگهان مهدی کوشکی عصبانی شده و به سمت منشی صحنه می‌رود و متن نمایش نامه را به زور می‌گیرد و به سمتی پرتاب می‌کند. «هفت جان سگ» بر آتاتوریسیم خود به شکل تعمدی، اصرار دارد. چندان خبری از تداوم حسنی اجرا نیست و فاصله‌گذاری مدام، گسست و انقطاع ایجاد می‌کند. ازکارانداختن بازیمنای با نوعی کنش سهل‌انکارانه، به همراه تکنیک فاصله‌گذاری و صداالیه اعتراضات گاه و بیگاه بازیگران نسبت به وضعیت موجود، به اجرائی طازانه و گاه ازجدیت‌افتاده تبدیل شده است. اجرایی که چندان در پی به‌سرانجام‌رساندن روایت و ترسیم دقیق مناسبات نیست و با تساهل و تسامح گاه اعصاب‌خردکن، با عناصر اجرایی برخورد می‌کند. خبری از امر استعلائی و غایت‌گرایی نیست. یک بی‌معنایی که در نهایت به مرگ ختم شده و روایتگر بیهودگی و بی‌هدفی زندگی است. مهدی کوشکی از نمایش‌های قبلی با شیوه اجرایی فاصله گرفته و حتی طزی که استفاده می‌کند، بیش از آنکه بر متن و روایت مبتنی باشد، بر بداهه‌پردازی‌ها مبتنی است. به نظر می‌رسد پتانسیل این فرم از اجرا، تا حد زیادی برای مهدی کوشکی مصرف شده و حال می‌توان به گسست و تغییر مسیر از این نوع مواجهه با جهان مبادرت ورزید. «هفت جان سگ»، تحشیه‌ای است آیرونیک نسبت به نمایش‌های قبلی کوشکی. همچنان تلاشی است تا حدی موفقیت‌آمیز در رسیدن به این واقعیت که کوشکی هم بهتر آن است که تجربیات تازه را مدنظر قرار دهد. چراکه او هنرمند توانایی است در این وادی بر خط.

بهنام شرفی سویه تازه‌ای از توانایی خود را در مقام بازیگر به نمایش گذاشته و ترکیبی از اقتدارطبی و مهربانی را چاشنی کار خود کرده. با اینکه با یک مهدی کوشکی طرف هستیم که از فیکور همیشگی، تلاش دارد فاصله بگیرد و به انفعال و بی‌کنشی می‌میدان دهد. ترلان پروانه بعد از تجربیات سینمایی، حال تلاش دارد به صحنه قدم گذاشته و تجربیات تازه کسب کند. اما کار سختی پیش‌روی اوست. «هفت جان سگ» این امکان را به او می‌دهد که کاستی‌ها را با شیوه اجرایی منحصربه‌فرد مهدی کوشکی، پوشش دهد. اما در اجرایی متعارف، تلاش بیشتری باید صورت بگیرد.

روایت حاشیه‌نشینان همیشه واجد حساسیت‌ها و جذابیت‌هاست، مهدی کوشکی جهان آنان را خوبی می‌شناسد، بنابراین یافتن فرم اجرایی مناسب که به تکرار نرسد، مهم‌ترین مسئولیت هنری و اجتماعی اوست.



روزهایی که بین صد تا ۱۲۰ نمایش هر شب فقط در تهران به صحنه می‌رود، آیین‌نامه‌ها و مصوبه‌های شورای‌عالی انقلاب فرهنگی نمی‌توانند گویای همه‌چیز باشد و امروز کار او و همکارش دو جهان متفاوت هستند که نیازمند جزئی‌نگری است و باید بیش از اینها درباره ارائه تئاتر فکر شده باشد؛ وگرنه با ۱۰ تا ۱۴ مورد ماده و مصوبه نمی‌توان تئاتر امروز را مدیریت کرد.

کارگردان «دایره گچی فققازی» ادامه داد: وزیر فرهنگ و ارشاد، تمام موارد مالی سال ۱۳۹۶ را بسیار شفاف اعلام کردند. از اینکه این شفاف‌سازی، آمار و ارقام به این صورت انجام شد، راضی بودیم؛ ولی این شفاف‌سازی باید خیلی دقیق‌تر و جزئی‌تر انجام شود؛ حتی از سوی واحدهای پیرامون وزارت ارشاد. با این حرکت امید داشتم امسال سال بهتری برای هنر تئاتر باشد و برایمان نوید روزهای بهتری می‌داد؛ ولی متوجه شدیم که خیر، نه‌تنها این امر خیلی خמוש مسیر خودش را تا کم‌سویی کامل طی کرد؛ بلکه همراه این شفاف‌سازی‌ها و شاید بدون ارتباط با آن یک سری نگرانی‌ها مطرح شد که همه‌ها را علیه تئاتر تزیاید بخشید و خیلی عجیب بود. فکر می‌کردیم این شفاف‌سازی در مسیر مسائل بسیار شاخص پیشرفت مدنی کشور است؛ آن‌هم زمانی که در چند سال گذشته همواره خواستار قوانین موضوعه برای رشد تئاتر خصوصی بودیم و حتی گاه ناموافق این‌گونه رشد.

کارگردان «سه خواهر» با بیان اینکه تغییر سلیقه وزارت ارشاد نیز بشخصه برایم امیدوارکننده بود، تصریح کرد: مسئله دیگر تغییر سلیقه وزارت فرهنگ و ارشاد بود که رو به سوی فعالیت صنفی داشت و جلسه‌ای با خانه تئاتر برگزار شد. وزیر معتقد بود به هر کم و کیف، تنها تشکلی که فعالیت‌های شبه‌صنفی می‌کند، خانه تئاتر است. خانه تئاتر می‌تواند آیین‌نامه‌نوشتن را آغاز و قانون‌ها را اعلام کند و شروع کنیم به تدوین آنها تا در مجلس شورای اسلامی به تصویب برسد. ما در زمینه

پویاراد ادامه داد: «در هفت دوره دوسالانه دامن‌فر هفت‌هزارو ۱۳۴ هنرمند شرکت کرده‌اند و دوره هفتم یکی از بهترین دوران نمایشگاه‌های دامن‌فر بود زیرا آثاری که در نمایشگاه عرضه شد، دارای کیفیت بسیار بالایی است. نکته قابل توجه این است که در دوره هفتم ۷۸ درصد شرکت‌کننده‌ها را خانم‌ها تشکیل می‌دادند.»

پس از پخش کلیپی از برگزیدگان دوره‌های قبل و مراحل داوری این دوره از دوسالانه، آبدین آغداشلو رئیس شورای داوران به صحنه رفت و گفت: «در هر مسابقه تعدادی اثر انتخاب شده و به نمایش در می‌آیند. اما این موضوع برای من هیچ وقت جدی نبوده است. زیرا اگر تعداد دیگری داور در یک مسابقه حضور داشته باشند ممکن است رای آنها چیز دیگری باشد و آثار دیگری را انتخاب کنند. در نتیجه این انتخاب‌ها را نمی‌توان چندان کامل و تأثیرگذار دانست و انتخاب‌شدن یک تعداد کار به معنای نفی سایر کارها نیست. من هیچ وقت در هیچ مسابقه‌ای شرکت نکردم. زیرا دلم نمی‌خواست نفر دوم شوم. الان هم که به عنوان یک نقاش در چنین جشنواره‌ای حضور دارم، به این معنا نیست که به مسابقه اعتقادی داشته باشم، اما به هر حال تشویق‌کردن جوانان به هر صورتی بسیار مفید است.»

تئاتر ۹۷ در گفت‌وگو با فرهانی و رحیمی:

بازار دادوستد یا جزئیاتی برای مدیریت فرهنگی



تماشاخانه‌های خصوصی این‌کار را کردیم؛ ولی شدت ناآرامی‌ها در این حوزه آن‌قدر زیاد شد که این اتفاق به فراموشی رفت. وقتی مسئله، مسئله آبرو، حیثیت و حفظ همین مقدار آبروی مانده در زیستن باشد، دنبال قانون بودن و قانون‌نوشتن برای فرهنگ مسئله ثانویه محسوب می‌شود.

رحیمی ادامه داد: از طرفی به این دلگرم بودیم که طبق مصوبه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی و آن هم از پس نظارت‌های چندگانه شورای نظارت، وقتی از ما پرسیده می‌شود چرا؟ باید با یک مکان قانونی طرف باشیم. دلمان خوش بود شورای نظارت داریم و می‌توانیم به آن اتکا داشته باشیم تا کارمان را انجام دهیم. ولی متأسفانه دیدیم خود شورای نظارت آسیب‌پذیرترین واحد تئاتری کشور

شد و قدرت کافی حتی برای حفظ خود نداشت. این احساس بی‌امینتی و پراکندگی آرای به‌وجودآمده باعث شد که پرسش ما این باشد که بگویید یک شهروند قانون‌مدار تئاتری با چند نفر، چند واحد و چند نهاد طرف است و باید به کدام قوه پاسخ‌گو باشد؟ کارگردان «چند کاپریس برای ویولون» از اختلاف‌نظرهای هنرمندان تئاتر گفت و اظهار کرد: این اختلاف‌نظر‌ها یک زمان درونی حل می‌شود. ولی متأسفانه شاید عده‌ای به هر دلیل مشکلات را طوری منعکس می‌کنند و با گزارش‌هایی که به جاهای مختلف ارائه می‌دهند، سیاه‌نمایی به وجود می‌آورند و عده‌ای را نگران می‌کنند.

رحیمی آزمون و خطا در هنر را آزمون و خطای انتخاب و تصمیم‌های انسانی دانست و اضافه کرد: باید راه صدساله‌ای را برای به‌ثبات‌راندن فرهنگ طی کنیم. حتی اگر خطایی را در جریان فرهنگ و هنری متصور باشیم، به هیچ عنوان نمی‌تواند به مردم ضربه بزند چراکه اساساً فرهنگ و هنر به ویژه هنر تئاتر با نشان‌دادن مسیر زندگی کاملاً و واضح می‌آید و به مدیران می‌گوید با وجود زمخاتی که می‌کشید این اشکالات وجود دارد و باید به فکر باشید. به ویژه هنر تئاتر که همیشه به

سیاست‌های موجود، به مسائل حکومت و دولت‌ها کمک کرده است.

رحیمی از نبودن یک معلم بزرگی که بتواند در میان تئاتری‌ها بزرگ‌تری کند، گفت و اینکه کسی باشد که همه او را قبول داشته باشند و به او احترام بگذارند که اکنون به شدت اهل تئاتر از نبودش رنج می‌برند. او خواستار شورایی‌شدن جریان تصمیم‌گیرنده تئاتر شد و به دهه ۷۰ اشاره کرد که در آن به دلیل تبادل آرا و اندیشه‌ها یک بستر مناسب فرهنگی در کل کشور شکل گرفته بود و اگر همچنان آدم‌ها نخواهند رودرروی هم با هم تعامل کنند، این مشکلات بیشتر خواهند شد. رحیمی با تأکید بر اینکه باید به آرامی کارمان را ادامه دهیم و این فضای آرام را توسعه دهیم، گفت: با تهدیدهای مختلفی که هنر تئاتر با آنها روبه‌روست بعضاً به جای اینکه به توسعه فضای فرهنگی کمک شود، جامعه وارد جریان‌هایی می‌شود که از ریشه نادرست است. عواقب این اتفاقات نیز واپس‌گراشدن جامعه، عدم احساس آزادی فردی، ایجاد نفی شعور ذاتی بشر، سست‌عنصرشدن بشر در کالبد زندگی اجتماعی و ازدیاد اقدام‌های احساسی و هیجانی است. تئاتر بزرگ‌ترین محصول و دست‌ساخته بشر است. فضای جامعه نیازمند اکسیر جادویی به اسم تئاتر است و اگر تئاتر آسیب ببیند تمام موهبت‌های فرهنگی آن یکی پس از دیگری آسیب خواهند دید.

او افزود: تئاتر فضای آرامی برای آموختن، رفتن جامعه به سمت سلامت و شنیدن صحبت‌های همدیگر است. با این تعاریف اگر تئاتر را از مردم بگیریم، چشم و گوش مردم را در یادگیری و ارتقای فرهنگ عمومی گرفته‌ایم و خشونت با نبود تئاتر افسارگسیخته خواهد شد.

او باز هم اظهار خرسندی کرد از اینکه در سال ۹۷ هنرجویان آموزشگاه‌ها و دانشجویان دانشگاه‌ها توانسته‌اند کار به صحنه ببرند و این خود همچنان اشتیاق حضور در تئاتر را می‌رساند. اما خود رحیمی به دلیل تدریس در دانشگاه که سخت و وقت‌گیر است امسال هم نتوانست کار کند اما برای سال آینده به دلیل کنارگذاشتن دو دانشکده برای تدریس که باعث ناراحتی مدیران آنها هم شده است، اظهار امیدواری کرد که بتواند کار کند. او در سال ۹۷ از اجرای نمایش خانه سیاه است به کارگردانی محسن اردشیر از امل که در فجر اجرا شد، به عنوان یک اثر نمایشی بسیار خوب یاد می‌کند که به درستی هم کار شده بود. رحیمی از دریاچه قو کار رضا صابری نیز بسیار لذت برده. او از چند نمایش در بخش دگرگونه‌های تئاتر جشنواره فجر هم یاد و اظهار امیدواری می‌کند که اگر بشود در طول سال مثل همه دنیا یک دفتر مطالعاتی داشته و کارهایشان با سرعت بیشتری اجرا شوند، بهتر خواهند بود. او از صورت‌ک چرمی (پوزه چرمی) که در تالار مهرگان توسط دو جوان اجرا شد، به عنوان یک نمونه دیگر یاد کرد و چند اثر دیگر که حضور ذهن ندارد نامشان را بگوید.

اجرای گروه موسیقی موت و تقدیر از اعضای هیئت داوران بخش‌های بعدی برنامه بود و پس از آن ایمان افسریان به نمایندگی از هیئت داوران بیانیه‌ای را به این شرح قرائت کرد: هیئت داوران هفتمین دوسالانه دامن‌فر به دلیل تمرکز بر کیفیت آثار و شکل ارائه مطلوب آنها، تعداد محدودی از آثار را برگزیده. به این دلیل همه هنرمندان جوانی که به این دوسالانه راه یافته‌اند را شایسته تقدیر می‌دانیم. با اینکه هیئت داوران تأکید دارند که دنیای هنر عرصه رتبه‌بندی نیست، اما برای تشویق هنرمندان جوان آثاری را برگزیده‌اند. در این دوسالانه در بخش هنرهای دیجیتال اثری که در حد استاندارد هیئت داوران، در مقایسه با کیفیت سایر آثار ارسالی باشد، تشخیص داده نشد. به این ترتیب اثری از بخش هنرهای دیجیتال در نمایشگاه نیست. هیئت داوران امیدوار است شما هنرمندان جوان با مداومت، صداقت و تواضع به فعالیت ادامه دهید تا سال‌های آینده شاهد فعالیت شما در عرصه حرفه‌ای هنر باشیم.

در ادامه نوبت به معرفی برگزیده بخش انتخاب مردمی که از طریق اس‌ام‌اس‌های بازدیدکنندگان انتخاب شده بود رسید و پریا پویاراد، مهتاب متینی را به عنوان برگزیده مردم معرفی کرد. تقدیرشدگان: احمدرضا اسحاقی، سارا آقاییکی، آبتین امیرجهدی، مهتاب متینی، ابوالفضل هارونی و آرمینه نگهداری/نفرات سوم: عطیه شفیعی و هما خسروی/نفرات دوم: محمدحسین خاتمی و محدثه طاهری و در پایان، سپهر ایمان‌پور به عنوان مقام نخست هفتمین دوسالانه نقاشی دامن‌فر و برنده جایزه سفر به آلمان و شرکت در آکادمی فابریکاستل معرفی شد.

گفتنی است نمایشگاه این دوسالانه، تا ۱۷ اسفند در گالری پردیس ملت در طبقه منفی دو دایر است. این دوسالانه به همت کاری دامن‌فر و همراهی مؤسسه تصویر شهر و با همکاری کویلو، فابریکاستل، ونیزور و نیوتن،کاسون و پ پ او در حال برگزاری است.

زیر آسمان فیروزهای

بازی کودک و نوجوان در نمایش «ساعت هشت در کشتی»

● گروه هنر: مریم کاظمی. کارگردان نمایش «ساعت هشت در کشتی» که قرار است از هفته پایانی اسفندماه اجرای خود را در تالار هنر آغاز کند، از حضور شش گروه مجزای هنرجویان کودک و نوجوان در این پروژه نمایشی خبر داد. مریم کاظمی، کارگردان و بازیگر تئاتر که این‌روزها در حال آماده‌سازی جدیدترین پروژه تئاتری این گروه برای مخاطبان کودک و نوجوان است، گفت: در این نمایش برای اولین‌بار شش گروه متفاوت از هنرجویان کارگاه بازیگری گروه به همراه مربیانی که از اعضای اصلی گروه تئاتر مستقلند، تشکیل شده تا برخی از نقش‌هایی را که به دلیل ساختار این نمایش باید در کار وجود داشته باشند ایفا کنند. این شش گروه در حال تمرین هستند و هر گروه در تعداد مشخصی از اجراها روی صحنه خواهد رفت. مریم کاظمی تصریح کرد: هر گروه مشگل از ۱۲ الی ۱۴ کودک و نوجوان است که با دو مربی تمرین می‌کنند. بخشی از تمرین این بچه‌ها به حرکت دسته‌جمعی فرم و بخشی نیز به اجرای نقش مسافران کشتی نوح اختصاص دارد. این گروه صحنه‌ایران اجرا نیز هستند و در تمام مدت اجرا حضور دارند. بنا بر اعلام سرپرست گروه تئاتر مستقل، ۱۳ بازیگر گروه تئاتر مستقل شامل شقایق اصلانی، کاظم بابایی، سمیه بیگی، فرید تجویدی، هادی حسین‌زاده، فاطمه خدابنده‌لو، زهرا روشن‌ضمیر، نازنین صفا، نرگس صفامنش، سعید قره‌داغلی، شادی کارآیین، حسام کلانتری و عرفان میدانلو پس از تمرین با کارگردان و دریافت میزانشن‌ها و دستورات اجرایی هر صحنه به ۷۵ بازیگر کودک و نوجوان در حال تمرین هستند.این کارگردان تئاتر از احتمال افزایش گروه‌های کودک و نوجوان در صورت استقبال خانواده‌ها از اجرا و تمایشان به مشارکت کودکان در این تجربه اجرایی خبر داده و گفت: اجرای نمایش از هفته پایانی اسفند آغاز می‌شود و مطابق پیش‌بینی، سه اجرا قبل از عید خواهیم داشت. ادامه اجراها را از سه‌شنبه، ۶ فروردین، و در تعطیلات نوروز از سر می‌گیریم. «ساعت هشت در کشتی» نوشته الریچ هاب است و ترجمه آن را حسین فدایی‌حسین انجام داده. در این نمایش اصغر همت، علی فروتن، حمید گلی، مهارد زمانی و حسن همتی ایفای نقش می‌کنند. بلدا فرهبدر در نقش رنگین‌کمان و مربیان در نقش ملوانان کشتی روی صحنه می‌روند.

نمایش «اسرافیل» در سینماک پانتئون



● گروه هنر: فیلم سینمایی «اسرافیل»، به کارگردانی آیدا پناهنده و تهیه‌کنندگی مستانه مهاجر، در سینماک پانتئون به نمایش درمی‌آید. سینماک پانتئون به دبیری زینب لک و محمدحسین میربابا در سومین نشست خود به تحلیل فیلم «اسرافیل» به کارگردانی آیدا پناهنده می‌پردازد. «ماهی» زن میان‌سال‌ای است که به تازگی پسر جوانش را در سانه رانندگی از دست داده است. بهروز که عشق قدیمی و ناکام او بود، بعد از سال‌ها از کانادا بازگشته تا زمین‌هایش را به فروش برساند و با دختر جوانی به نام سارا که از طریق دنیای مجازی با هم آشنا شده‌اند ازدواج کرده و به کانادا بازگردد. مواجهه بهروز و ماهی در محیط بسته و سنتی شهری که در آن زندگی می‌کند، خاطرات عشق قدیمی میان آنها و مصائبی را که از سر گذرانده‌اند زنده می‌کند. در این پل علاوهبر نقد و بررسی فیلم، تصویر زن در سینمای معاصر ایران مورد واکاوی قرار خواهد گرفت. این نشست با برگزاری پل تحلیل با عنوان «مدین بر صور جدایی» با سخنرانی محمدحسین میربابا و مستانه مهاجر و آیدا پناهنده، روز دوشنبه، مورخ ۱۳ اسفند، ساعت ۱۶ الی ۱۹:۳۰ در سالن فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار می‌شود.

نمایش فیلم «خط قرمز» مسعود کیمیایی در خانه سینما

● گروه هنر: کانون فیلم خانه سینما در برنامه آینده خود، فیلم سینمایی «خط قرمز»، ساخته مسعود کیمیایی را به نمایش می‌گذارد. «خط قرمز» محصول ۱۳۶۰ و بر اساس نوشته «شب سمور» بهرام بیضایی و با شرکت سعید را د و فریماه فرجامی ساخته شده و خسرو شکیبایی، جمشید آریا، امیرالهدی صابری و سید یزدوست از جمله بازیگران آن هستند. علیرضا زرین‌دست فیلم‌برداری این فیلم را برعهده داشته و مجید انتظامی برای آن موسیقی ساخته است. نسخه درنظرگرفته‌شده برای نمایش، نسخه تازه‌تبدیل‌شده و دارای کیفیت بسیار خوبی است. پس از نمایش فیلم، نشست با حضور مسعود کیمیایی، جواد طوسی، ناصر صفاریان (دبیر کانون فیلم خانه سینما) برگزار خواهد شد. این برنامه در تاریخ سه‌شنبه، ۱۴ اسفند، در سالن سیفاله‌داد خانه سینما، به نشانی تهران، خیابان بهار جنوبی، خیابان سمنان، شماره ۲۹ برگزار می‌شود و ورود برای تمام علاقه‌مندان، آزاد و رایگان است.